

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات شاهرود

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان شناسی
همگانی (M.A)

عنوان

نقش استعاره در بازنمایی ایدئولوژی در متون ادبی از دیدگاه
تحلیل گفتمان انتقادی

استاد راهنما:

دکتر رویا صدیق ضیابری

نگارش:

فریبا صادقی

تابستان ۱۳۹۳



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

شورای اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و بموازه ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت تمام بلند دانش پژوهش و نظریه آیهت جایگاه دانشگاه در اعلامی فرهنگ و تمدن بشری، مادیانجویان و اعضا، بیات علمی و اصدای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت زپنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام بر رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشندگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد بر رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد بر رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن بهر شیوه و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد بر ایتنا از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد بر صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد بر رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد بر رواج دانش و ابداع نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانست: التزام بر برانست جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم پژوهش را به شبه های غیر علمی می آلائند.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تحصیلات تکمیلی علوم و تحقیقات شاهرود

تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب فریبا صادقی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته زبان شناسی همگانی که در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۹ از پایان نامه خود تحت عنوان نقش استعاره در بازنمایی ایدئولوژی در متون ادبی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی با کسب نمره ۱۶/۵ و درجه خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد میشوم :

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه یا رساله را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: فریبا صادقی
تاریخ و امضاء:

سپاس گزاری

سپاس و ستایش مهربان پروردگاری را که عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان،

بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید

تمام نگارش پایان نامه یک سو، صفحه‌ی سپاسگزاری را نوشتن، یک سو.....

مانده ام همه‌ی آنچه را که در سر دارم برای سپاس از استادان و عزیزانم، چگونه در ظرف کوچک واژگان بریزم که معنی در لفظ بگنجد و حق مطلب ادا شود. اما کوشش بیهوده ای است رسیدن به این آرزو، که آن عارف چه خوش گفت:

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز

ورای حد تقدیر است شرح آرزومندی

پس،

سپاس می دانم حق قدر استادم، دکتر رویا صدیق ضیابری که راهنمایی این پایان نامه را به عهده گرفتند و مرا آموختند و می آموزند و چونان همیشه چراغ راهم بودند

سپاسگزارم از دکتر حسین داوری که در اصلاح، بهبود و هرچه بهتر شدن این اثر مرا یاری نمودند

سپاسگزارم از دکتر آزیتا جعفری که وجودشان همواره تداعی کننده‌ی عشق و مهربانی است

سپاسگزارم از دکتر سید حسین رضویان که داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند و با آرامش و سعه صدر خطاهایم را یادآور شدند

سپاسگزارم از دکتر رضاخیرآبادی که داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند و با دقت علمی مثال زدنی که خاص ایشان است خطاهایم را یادآور شدند

سپاسگزارم از دوستان، همکلاسی ها، همکاران عزیز و بزرگواری که در تدوین این پایان نامه از هیچ کمکی دریغ نکردند

و خانواده‌ی عزیزم که به وجود مهربانشان در دو عالم، مدیونم

تقديم به:

يگانه دخترم

فهرست

صفحه	عنوان
۱	چکیده.....
۲	فصل اول: کلیات و سازمان پژوهش.....
۲	۱-۱- طرح مساله.....
۳	۱-۲- مسئله پژوهش.....
۴	۱-۳- هدف پژوهش.....
۴	۱-۴- پرسش های پژوهش.....
۵	۱-۵- فرضیه های پژوهش.....
۵	۱-۶- روش پژوهش.....
۶	۱-۷- مفاهیم بنیادی.....
۶	۱-۷-۱- تحلیل گفتمان انتقادی.....
۶	۱-۷-۲- ایدئولوژی.....
۷	۱-۷-۳- استعاره.....
۷	۱-۸- ساختار پژوهش.....
	فصل دوم: نقد و بررسی پیشینه ی پژوهش
۹	۲-۱- مقدمه.....
۱۰	۲-۲- درآمدی بر گفتمان انتقادی، تحلیل متون ادبی و نقش تحلیل گر.....

- ۳-۲- جایگاه هوشنگ گلشیری و زویا پیرزاد در ادبیات معاصر..... ۱۱
- ۱-۳-۲- هوشنگ گلشیری..... ۱۱
- ۱-۱-۳-۲- بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب..... ۱۱
- ۲-۱-۳-۲- روایت داستان..... ۱۱
- ۳-۱-۳-۲- داستان نویسی جریان سیال ذهن..... ۱۲
- ۴-۱-۳-۲- هم خوانی کاتبان..... ۱۲
- ۵-۱-۳-۲- رویای بیدار..... ۱۲
- ۶-۱-۳-۲- نقد و استقلال ادبی..... ۱۳
- ۷-۱-۳-۲- گلشیری کاتب و خانه روشنان..... ۱۳
- ۸-۱-۳-۲- شگردهای نو قدمایی در سبک هوشنگ گلشیری..... ۱۳
- ۹-۱-۳-۲- آفرینگان..... ۱۳
- ۱۰-۱-۳-۲- بررسی رمان شازده احتجاب..... ۱۳
- ۲-۳-۲- زویا پیرزاد ۱۴
- ۱-۲-۳-۲- نقد آثار زویا پیرزاد(شهلا زرلکی)..... ۱۴
- ۲-۲-۳-۲- روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد..... ۱۴
- ۳-۲-۳-۲- نقد مجموعه آثار داستانی..... ۱۵
- ۴-۲-۳-۲- زنان سلطه و تسلیم در آثار زویا پیرزاد..... ۱۵
- ۴-۲- استعاره..... ۱۵

- ۲-۵- زندگی و آثار زویا پیرزاد..... ۱۹
- ۲-۶- زندگی و آثار هوشنگ گلشیری..... ۲۰
- ۲-۷- تحلیل گفتمان انتقادی در ایران ۲۱

فصل سوم: مبانی نظری

- مقدمه..... ۲۱
- ۳-۱- نظریه‌های تحلیل گفتمان..... ۲۴
- ۳-۱-۱- میشل فوکو..... ۲۴
- ۳-۱-۲- تئون وندایک ۲۶
- ۳-۱-۳- پنی کوک ۲۷
- ۳-۱-۴- فرکلاف..... ۲۸
- ۳-۲- اصطلاحات تحلیل گفتمان انتقادی بر مبنای نظریه‌ی فرکلاف..... ۴۳
- ۳-۲-۱- گفتمان..... ۴۳
- ۳-۲-۲- قدرت..... ۴۴
- ۳-۲-۳- زبان و ایدئولوژی..... ۴۵
- ۳-۲-۴- نظم تعاملات و طبیعی شدگی..... ۴۷
- ۳-۳- مبانی تحلیل گفتمان انتقادی ۴۹
- ۳-۴- نظریه‌های مربوط به استعاره..... ۵۱

- ۵۳.....۳-۴-۱- ارسطو.....
- ۵۵.....۳-۴-۲- کوئینیلیانوس.....
- ۵۵.....۳-۴-۳- منطقیون.....
- ۵۶.....۳-۵-۵- استعاره در حوزه بلاغت فارسی.....
- ۵۶.....۳-۵-۱- عبدالقاهر جرجانی.....
- ۵۷.....۳-۵-۲- سکاکی.....
- ۵۷.....۳-۶-۶- استعاره در حوزه مطالعات زبان‌شناسی.....
- ۵۹.....۳-۶-۱- لیکاف و جانسون.....
- ۶۲.....۳-۷-۷- گفتمان انتقادی استعاره بر مبنای نظریه‌ی یاکوبسن.....
- ۶۴.....۳-۸-۸- رمان و پیشینه‌ی آن در غرب و ایران.....

فصل چهارم: تحلیل داده‌ها

- ۶۷.....مقدمه.....
- ۶۹.....۴-۱- تحلیل گفتمان انتقادی «شازده احتجاب».....
- ۷۰.....۴-۱-۱- طرح کلی.....
- ۷۱.....۴-۱-۲- تحلیل رمان بر اساس رابطه‌ی قدرت و زبان.....
- ۷۷.....۴-۱-۳- توصیف.....
- ۸۴.....۴-۱-۴- تفسیر.....
- ۸۸.....۴-۱-۵- تبیین.....

۹۲..... ۲-۴- تحلیل گفتمان انتقادی «چراغها را من خاموش می‌کنم».

۹۲..... ۲-۴-۱- طرح کلی.

۹۲..... ۲-۲-۴- توصیف.

۱۰۴..... ۳-۲-۴- تفسیر.

۱۰۸..... ۴-۲-۴- تبیین.

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۰۵..... ۱-۵- سطح توصیف دو رمان.

۱۰۷..... ۲-۵- سطح تفسیر دو رمان.

..... ۳-۵- سطح تبیین دو رمان.

..... منابع و مآخذ فارسی.

..... منابع و مآخذ انگلیسی.

..... چکیده‌ی انگلیسی.

فهرست نمودارها

- نمودار ۳-۱ - مدل نظری فرکلاف ۳۲
- نمودار ۳-۲- ارزش بیانی فرکلاف در سطح توصیف و ویژگی های صوری..... ۳۵
- نمودار ۳-۳- روابط میان اجزا بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف..... ۴۱
- نمودار ۴-۱- نمودار فراوانی دو زمان گذشته و حال..... ۷۹
- نمودار ۴-۲-- نمودار فراوانی زمان گذشته..... ۷۹
- نمودار ۴-۳- نمودار فراوانی زمان حال..... ۸۰
- نمودار ۴-۴- نمودار فراوانی وجه..... ۸۲
- نمودار ۴-۵- نمودار فراوانی دو زمان گذشته و حال..... ۱۰۱
- نمودار ۴-۶- نمودار فراوانی زمان گذشته..... ۱۰۲
- نمودار ۴-۷- نمودار فراوانی زمان حال..... ۱۰۲
- نمودار ۴-۸- نمودار فراوانی وجه..... ۱۰۳

چکیده

نقش استعاره در بازنمایی ایدئولوژی در متون ادبی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی از نظریات میشل فوکو است که سیری تکوینی از مباحث تحلیل گفتمان را طی می‌کند و در آن، از حد توصیف زبانی صرف، پا را فراتر نهاده و مراحل مختلف شکل‌گیری گفتمان را در دو حوزه اجتماعی و زبان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این دیدگاه متن ادبی همانند سایر متن‌های سیاسی، اجتماعی و... هدفی ارتباطی دارد. تحلیلگر خوانش‌های متفاوت از یک متن را که حاصل وجود ایدئولوژی‌های گوناگون در سه سطح توصیف (واژگان و نحو)، تفسیر و تبیین، بررسی می‌کند. هوشنگ گلشیری و زویا پیرزاد دو نویسنده موفق در زمینه خلق گفتمان ادبی هستند که در دو اثر مشهورشان؛ "شازده احتجاب" و "چراغها را من خاموش می‌کنم"، گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، فمینیستی و ... را خلق می‌کنند. گلشیری به سبب بیان برهه‌ای از تاریخ ایران در عهد قاجار در داستان خود، از فعل‌های گذشته با وجه اخباری بهره برده است و استعاره‌هایی را به کار گرفته که به شخصیت‌ها و فضاهای روزگار حاکمان قاجار باز می‌گردد. پیرزاد، شخصیت اصلی داستانش را زنی خانه‌دار توصیف کرده‌است که با مسائل دفاع از حقوق زن روبه‌رو می‌شود. وی برای روایت شخصیت‌ها، از جملات ساده و کوتاه، همراه با فعل‌های حال ساده بهره برده‌است. در این پژوهش، نگارنده بر آن است تا با بررسی ویژگی‌های تحلیل گفتمان انتقادی و نقش استعاره ادبی در تولید گفتمان ادبی به استخراج مولفه‌های زبان‌شناختی دو رمان فوق بپردازد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، رمان، قدرت، زبان، استعاره

فصل اول

کلیات و سازمان پژوهش

۱-۱ طرح مساله

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی^۱ سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقا داده است و به لحاظ محدوده‌ی تحقیق نیز گستره‌ی آن را از سطح بافت موقعیت فرد به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت بخشیده است. نورمن فرکلاف بین اهداف انتقادی و اهداف توصیفی گفتمان تمایز قائل شده است. او معتقد است که در تحلیل گفتمان، بازنمایی‌های ایدئولوژیکی به سبب طبیعی بودنشان، بدیهی انگاشته شده‌اند ولی در تحلیل گفتمان غالب در دوره‌ی اخیر، بازنمایی ایدئولوژی‌ها مغفول مانده‌اند. تحلیل گفتمان به روش انتقادی از سه سطح تحلیل برخوردار است: سطح توصیف، که در این سطح متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی^۲، واج‌شناسی^۳، نحو^۴، ساخت واژه یا صرف^۵، معنی‌شناسی و تا حدودی کاربرد شناسی مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شوند. سپس نوبت سطح تفسیر است، که به تفسیر متن بر مبنای آنچه که در سطح توصیف بیان شده با در نظر گرفتن بافت موقعیت، مفاهیم و راهبردهای کاربرد شناسی زبان و عوامل بینامتنی می‌پردازد و سطح سوم که سطح تبیین است، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با

^۱ (CDA)critical discourse analysis

^۱ phonetics

^۲ phonology

^۴ syntax

^۵ morphology

عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی، قدرت، قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۹۱-۱۱۷ و آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

در خصوص رابطه‌ی بین ادبیات و تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان گفت که زبان‌شناسی از مسیر تحلیل گفتمان انتقادی با ادبیات در انواع ادبی، سبک‌شناسی و نقد ادبی برای تعیین چارچوب‌های نظری و الگوهای تحلیل بسیار موثر و کارآمد است تا آنجا که نقد زبان‌شناختی را آغاز سبک‌شناسی نوین نامیده‌اند.

تحلیل گران گفتمان انتقادی، نقدهای ادبی تحلیل گران گفتمان را درون‌گرا می‌دانند، بدین معنی که به باور هیلدی ادبیات وضعیت خاصی دارد که آن را به هنر کلامی^۱ تبدیل می‌کند، بنابراین مستقل است، به طوری که بر خلاف گونه‌های دیگر، ادبیات جهان را ویرای متن تعریف می‌کند و نه به وسیله‌ی موقعیت آن (هیلدی^۲، ۱۹۸۹: ۱۳۹)، در حالی که تحلیل گران گفتمان انتقادی، ادبیات را همانند سایر متون می‌پندارند و یا تحلیل می‌کنند زیرا در نگاه آنان همه‌ی متون در خدمت ارتباط هستند. لذا معتقدند که چنین تحلیلی باید به دو علت برون‌گرا باشد: نخست آنکه این گونه تحلیل با بهره‌گیری از فرایندهای ایدئولوژیکی، ضرورت دارد که دارای خوانش‌های متنوع و متعدد بینامتنی باشد، دیگر آنکه بتواند از جامعیت و گستره‌ی نگرشی لازم برخوردار باشد و رشته‌های علمی دیگری همچون جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ و سیاست و ادبیات را نیز در بر بگیرد (فاولر^۳، ۱۹۹۶: ۱۵۲). بنابراین گفتمان و متن را نباید معادل هم پنداشت. گفتمان باید زمینه‌های دیگر دانش را که در ساختن متن دخیل‌اند در خود جای دهد. این تمایز که فاولر آن را به عنوان تمایز بین نقد درون‌گرا و برون‌گرا معرفی نموده، بحث‌های گسترده‌ای را بین منتقدان ادبی و زبان‌شناسان به دنبال داشته که منشاء تحول و پیشرفت قابل توجهی در رابطه‌ی بین ادبیات و زبان‌شناسی شده است.

^۱ verbal art

^۲ Halliday, M. A. K

^۳ Fowler, Roger

۲-۱ مسئله پژوهش :

مطالعات میان رشته‌ای بی شک در محک زدن و غنای نظریه زبان‌شناسی نقش تعیین کننده‌ای دارد. رمان در واقع موقعیتی است که زبان در آن رخ می‌دهد. مطالعه گفتمان در مورد رمان هر چند بی سابقه نیست ولی جای کار بسیار دارد و می‌تواند موضوعی مناسب و بدیع در حوزه مطالعات زبان‌شناسی محسوب گردد.

تاکنون نقدهای فراوانی درباره این دو رمان در صفحات اینترنت گزارش شده ولی هیچ گاه در مورد "چراغها را من خاموش می‌کنم" و "شازده احتجاب" نقد گفتمانی صورت نگرفته است. ضمن اینکه در این پژوهش با توجه به نقش اجتماعی مطرح شده در این دو رمان، با انتخاب یک نویسنده زن و یک نویسنده مرد سعی شده نوع نگاه این دو به جامعه، خصوصاً هم جنس‌های خودشان، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. توجه به گفتار، لحن و حالات گوینده تاثیر بسیار زیادی بر درک مخاطب و برداشت او از اثر دارد و ارائه این گونه تحقیق‌ها می‌تواند راه نقد اثر را هموارتر نماید. با در نظر گرفتن تحلیل گفتمان دو ویژگی که در قسمت بحث اصلی ارائه خواهد شد، رمان نویس به سمت و سوی نوشتن رمانی پر بها پیش خواهد رفت و از اتلاف کلام بیهوده و بی هدف در جای جای اثر خود جلوگیری خواهد کرد.

۳-۱ هدف پژوهش :

هدف این پژوهش گسترش دامنه دیدگاه‌های زبان‌شناسی در حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی با مطالعات ادبیات داستانی است و تجزیه و تحلیل گفتمان داستانی در حوزه رمان یکی از اهداف مورد نظر پژوهشگر می‌باشد. امید است که با استفاده از نظریه‌های صاحب نظران حوزه زبان‌شناسی به غنای هر چه بیشتر حوزه زبان‌شناسی و مطالعات میان رشته‌ای کمک شود. به همین دلیل موقعیت‌های مختلف در این دو رمان زمینه مناسبی برای چنین مطالعاتی را فراهم می‌کند.

کاربرد این گونه مطالعات مناسب دانشجویان زبان‌شناسی و فعالان حوزه نویسندگی است. با بهره بردن از علم زبان‌شناسی و استفاده از راه کارهایی که در این دانش ارائه شده است می‌توان به دانش زبان‌شناسی رمان نویسان و منتقدان رمان کمک نمود، تا هر چه بیشتر از این تحلیل بهره برده و بتوانند طریقه کاربرد آن‌ها را در آثار خود کشف کنند.

۴-۱ پرسش های پژوهش :

نگارنده قصد دارد با برجسته سازی بسیاری از گفتمان های طبیعی موجود در رمان، نوع نگاهی را تحلیل کند که زویا پیرزاد و هوشنگ گلشیری آن را در آثار خود بازتاب داده اند. مثلاً نوع نگاه به قشرهای مختلف، زن و مرد، طبقات اجتماعی و در چارچوب نظری پژوهش بر این نکته تاکید شده است که فرکلاف^۱ در نظریه خود به جنبه های اجتماعی تحلیل انتقادی توجه ویژه ای دارد و این موضوع دلیل تاکید بردیدگاه اجتماعی فرکلاف در این تحلیل گفتمان می باشد. در نهایت نگارنده در این پژوهش در پی رسیدن به پاسخ پرسش های زیر است:

۱- تحلیل گفتمان به چه شکلی در این دو رمان عرضه شده است؟

۲- نوع نگاه یک نویسنده زن و یک نویسنده مرد در این نوع تحلیل، در دو رمان به چه شکلی است؟

۵-۱ فرضیه های پژوهش:

با مطالعه آثار مدرن و پست مدرن می توانیم بگوییم زویا پیرزاد و هوشنگ گلشیری با زیرکی تمام موضوع قضاوت و نوع نگرش انسان ها به یکدیگر را در متن دو رمان " چراغها را من خاموش می کنم " و "شازده احتجاب" با توجه به شیوه پست مدرنیستی گنجانده اند. تحلیل گر در این رساله کوشیده است، موضوع قضاوت، رفتار و گفتار سطحی نگرانه مردم نسبت به یکدیگر را از طریق تحلیل گفتمان با نگاهی به دیدگاه فرکلاف- که دیدی اجتماعی به تحلیل و کارکرد گفتمان دارد- مورد تحلیل قرار داده و بررسی نماید و فرضیه های خویش را در این باره ارزیابی کند.

بر اساس پرسش های مطرح شده در بخش ۱-۵- فرضیه های پژوهش به قرار زیر است:

۱- تحلیل گفتمان در این دو رمان بر مبنای نظریه ی فرکلاف قابل تبیین است .

۲- شخصیت اصلی در این دو رمان یکی زن و دیگری مرد است در نتیجه نوع نگاه ها تغییر می کند.

¹ Fairclough Norman

۶-۱ روش پژوهش:

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است که در آن پس از مطالعه کتاب‌ها، نشریه‌های علمی، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های مربوط به تحلیل گفتمان و پس از گردآوری داده‌ها، آراء و اطلاعات طبقه‌بندی شده صورت گرفته است. مرحله بعدی خوانش دقیق دو رمان چراغها را من خاموش می‌کنم و شازده احتجاج، با توجه به دیدگاه گفتمانی می‌باشد و پس از آن گفتمان‌هایی انتخاب می‌شود که به نوعی قضاوت در مورد مسائل مختلف را انجام می‌دهند. پس از آن در پیکره‌ی پژوهش، به تحلیل مشخصات متن به صورت تحلیل‌های کلان و خرد زبانی و نشانه‌های موجود در دو رمان پرداخته خواهد شد. دقت در گفتمان‌ها برای بررسی فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش در زمینه‌ی قضاوت و سطحی‌نگری بسیار مهم است. نوع گفته و لحن شخصیت‌ها نشان از موقعیتی دارد که هر شخصیت در آن قرار دارد و این نشان از ناگفته‌هایی دارد که تحلیل‌گر با بررسی دقیق، این نشانه‌ها را بیرون کشیده و به نگارش در می‌آورد. نگارنده پس از بررسی و مطالعه لازم، با بکارگیری نظریه‌های نورمن فرکلاف، روش مناسب در این پژوهش را انتخاب کرده است. واحد تحلیل در این پژوهش گفته‌های دو رمان چراغها را من خاموش می‌کنم و شازده احتجاج می‌باشد و در تحلیل آن‌ها از ابزارهای زبانی و تحلیل‌های صاحب‌نظران در این زمینه علاوه بر نظریه‌های فرکلاف از دیدگاه میشل فوکو^۱، تئون و ندایک^۲ و همچنین نظریات بهرامپور، آقاگل زاده و ... استفاده شده است. تا تحلیل معناشناختی گفتمان نیز صورت بگیرد. در پایان شایان ذکر است که در این پژوهش نگارنده جهت ثبت منابع از کتاب «آیین نگارش مقاله علمی-پژوهشی اثر دکتر فتوحی بهره برده است.

۷-۱ مفاهیم بنیادی

۱-۷-۱ تحلیل گفتمان انتقادی: رویکردی جدید در زبان‌شناسی است که ریشه در آرای فلاسفه به خصوص فیلسوف فرانسوی میشل فوکو دارد. در این رویکرد، زبان به مثابه عملی اجتماعی است که با ایدئولوژی گره خورده است و گفتمان‌ها به وسیله روابط قدرت و ایدئولوژی‌ها شکل می‌گیرند (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

¹ Michel Foucault

² Van Dijk

۱-۷-۲ ایدئولوژی: ایدئولوژی در مدل تئون ون دایک فصل مشترکی است میان ساختارهای اجتماعی، شناخت و گفتمان. در این چارچوب، ایدئولوژی به عنوان اساس نمودهای اجتماعی که میان اعضای گروه مشترک‌اند، تعریف می‌شود (وندایک، ۱۹۹۸: ۸). بنابراین، تعریف ایدئولوژی، نظامی از باورهاست که این نظام به صورت اجتماعی در میان اعضای گروه‌ها مشترک است و کارکردی شناختی دارد؛ به این معنا که انسجامی ایدئولوژیک برای باورهای افراد فراهم می‌کند. افراد ایدئولوژی‌ها را به شکل تدریجی فرا می‌گیرند و گاهی ایدئولوژی‌های فراگرفته شده در طول دوران زندگی فرد دستخوش تغییرات می‌شوند؛ هرچند دارای ثباتی نسبی اند (وندایک، ۱۱۷:۲۰۰۶)

۱-۷-۳ استعاره:

می‌توان گفت قدیمی‌ترین نظریه در مورد استعاره به ارسطو باز می‌گردد. ارسطو استعاره را نوعی آرایه‌ی ادبی در نظر می‌گیرد که صرفاً جنبه‌ی زیبایی شناختی دارد و در زبان عادی و روزمره به کار نمی‌رود و مختص آثار ادبی است. رویکرد او به استعاره بخشی از نظریه قیاس اوست. طبق نظر ارسطو، استعاره دو پدیده را با یکدیگر مقایسه می‌کند که یکی از آنها به وسیله‌ی واژه یا عبارتی که در معنای صریح به کاررفته بیان می‌شود و دیگری از طریق واژه یا عبارتی که به صورت استعاری به کاررفته است. اورتون^۱ (۱۹۷۹).

استعاره‌ها می‌توانند با فروکاستن انسان به انواع ماشین، حیوانات و ابزار در خدمت یک ایدئولوژی قرار بگیرند و پیامدهای خطرناکی داشته باشند. هر نوع «مقوله سازی» از مفاهیم، گزاره‌ها و تجربه‌ها که به وسیله‌ی استعاره‌ها صورت می‌گیرد، با برجسته سازی ویژگی‌های مشخصی از یک تجربه در برابر ویژگی‌های دیگر، مفهوم جدیدی از آن تجربه را به دست می‌دهد. ایدئولوژی‌ها می‌توانند با استفاده از استعاره‌ها، احساس و درک کاذبی از امور برای مخاطبانشان فراهم آورند، روش‌های خاصی از مفهوم سازی را جایگزین روش‌های دیگری از مفهوم سازی کنند و شیوه‌های جایگزین مفهوم سازی یک تجربه را از دایره‌ی تفکر افراد درون گروه ایدئولوژیک خارج کنند. استعاره‌ها می‌توانند حوزه‌ی مفهومی

^۱ Ortony